

مقدمه

کلیدواژه‌ها: هنر، زبان کودک، نقاشی.

انسان چه بر کرده خود آگاه باشد و چه ناآگاه، طالب زیبایی است. کسی که محیط کار یا زندگی اش را به محیطی دلپذیر، منظم و آراسته تبدیل می‌کند، مادری که با وسواس زیاد در صدد انتخاب لباس با طرح، رنگ و شکل مناسب و دلخواه کودک خود است، همه به نوعی هنرمندند؛ چه بدانند و چه ندانند. خلقت پر از جلوه‌های هنری است؛ رعد و برق، باران، برف، جویبارها، گل و گیاه، پرندگان و آوازهای زیبایشان و... انسان نیز به جهت ذات انسانی خود به طرف آن تمایل داد و چون ماهیتاً شوق و ذوق، کنجکاو، ابداع، ابتکار و خلاقیت دارد، این دو را در هم آمیخته و صاحب انواع مختلفی از جلوه‌های هنر، اعم از دو بعدی و سه بعدی یا تصویری و صوتی می‌شود که با افزایش کمال خود، آنها را کامل تر و متنوع تر می‌کند. همه ما خلقت هنرمندان‌های داریم و به این دلیل به انواع و اقسام جلوه‌های هنری تمایل داریم. نه اینکه فقط تمایل داشته باشیم، بلکه برای آرایش مطبوع و آرامش مطلوب زندگی و غنای هر چه بیشتر آن به هنر نیازمندیم. (جان لنکستر، ۱۳۷۱)

پس، هنر زمینه‌ای است که جاذبه خاصی در انسان‌ها و بالخصوص در کودکان ایجاد می‌کند؛ بنابراین وجودش در مدارس برای آشناسازی کودکان با انواع مختلف کارهای هنری و مهم‌تر از آن، ایجاد دید و بینش هنری از جانب آنان ضروری و به حق مورد توجه همه نظام‌های تربیتی دنیا از جمله نظام تربیتی در کشور ایران به عنوان یک ماده درسی است.

هنر برای کودکان جلوه دیگری نیز دارد. کار هنری برای کودکان نوعی بازی است. ولی بازی‌ای که خود ویژگی‌های بسیار ظریفی دارد که نباید از آن غافل بود. نقاشی، طراحی و موسیقی به کودکان کمک می‌کند تا خودشان را ابراز کنند. برای مثال، رنگ و تصویر بیش از هر چیز، ذهن بچه را متوجه خود می‌کند و در عین حال وسیله‌ای است که کودک بیش از هر چیز می‌تواند دست به خلق آن بزند. برای درک رنگ و تصویر کفایت چشم ببیند و برای خلق آن کافی است که کودک دست در رنگ کند و آن را بر در و دیوار یا هر چه که دم دست او باشد و حتی سر و صورت و لباس خود بمالد. کودک تجربه و طرز فکر خود را از روی واقعیت، با شکل‌ها و رنگ‌ها بیان می‌کند که نشان‌دهنده دید اوست. در حقیقت، نقاشی زبان کودک است. به همین دلیل است که روان‌شناسان

کودک برای درک دنیای کودکان از نقاشی‌های آنان بهره می‌گیرند.

الیور فراری

روان‌شناس

در «کتاب نقاشی کودکان و مفاهیم

آن» در این باره می‌گوید: «در نقاشی همانند خواب و رؤیا، کودک خود را از ممنوعیت‌ها رها می‌سازد و با ما در حالتی ناخودآگاهانه، درباره مسائل، کشفیات و دلهره‌هایش صحبت می‌کند.» (محمد اسماعیل، ۱۳۸۶)

در ایران، غالباً معلمان و والدین پیشرفت هنری سال‌های اولیه کودکان را مهم تلقی نمی‌کنند. آنها کار کودکان را صرفاً رنگ مالی یا ایجاد توده بی‌شکلی از گل رس می‌دانند و تصور می‌شود که کودک خردسال قادر نیست از مفاهیم هنر

پایه چیزی کسب کند. بنابراین، آموزش کودکان خردسال به کسانی واگذار می‌شود که تجربه آنها در هنر کم یا هیچ است. تحقیقات نشان داده است که سه تا پنج سالگی از حیاتی‌ترین و پر بارترین دوره‌ها در پیشرفت خلاقانه کودک هستند.

کودکان خردسال با آزمون ابزار و تصوراتشان، به‌طور خودانگیزه کار می‌کنند. شکل‌هایی که کودکان می‌سازند، برای بزرگسالان قابل تشخیص نیستند اما برای خود آنها مفاهیمی دارند. کودک در این سن معمولاً توجه نمی‌کند که چه چیزی ساخته است. او موقعی که نقاشی می‌کند یا مجسمه می‌سازد با تجربیات زندگی می‌کند و آنچه در آخر خلق می‌کند مثل آخرین کادری است که از یک فیلم می‌بینیم. تنوع و غنای تجربی کار تمام



محدثه تقی نژاد

کارشناس ارشد پیش از دبستان

او هم یک هنرمند است

شده نسبت به آنچه کودک در مرحله کار کسب کرده، کمتر است کودکان رنگ‌ها را کشف می‌کنند، و هنگامی که می‌بینند رنگ جدیدی را به تنهایی ساخته‌اند، ماجرای واقعی می‌شود. (پیکرینگ، ۱۳۸۶)

هر کودکی ابزار و مواد را به شیوه خاص خود به کار می‌برد. وقتی کودک تشویق شود که به شیوه خاص خود کار کند مستقل بار خواهد آمد. در نتیجه نه تنها

مهارت‌هایی مانند دقت و کشیدن تصویر است یا کمک‌رسانی به کودک که شیوه خاص خود را روی کاغذ پیاده کند یا آنچه را می‌بیند و حس می‌کند با گل رس به شکلی درآورد؟

اساس رشد کودک در هنر این است که به او فرصت اکتشاف داده شود و برای کشف تشویق شود. ممکن است آنچه کودک نقاشی می‌کند، شکل می‌دهد یا می‌سازد، برای دیگران قابل تشخیص نباشد یا طبق معیارهای بزرگسالان «تمام شده» به نظر نیاید. در حقیقت، کودک احتمالاً هیچ‌وقت به دنبال نتیجه «تمام شده» نبوده است اما بر آنچه ساخته، تمرکز کرده و از رضایتی که از توانایی انجام دادن آن کار به‌دست آورده، لذت برده است. آنچه برای کودک اهمیت دارد، روند کار است نه نتیجه نهایی آن.

این اصل است که به خردسالان فرصت بدهیم و آنها را برای بیان آزادانه اندیشه و احساسشان تشویق کنیم. پذیرش کار خلاقه کودک و احترام گذاشتن به آن نیز یک اصل است. کودکان مشتاق‌اند که رضایت والدین خود، معلمان و بزرگسالان دیگری را که نزدیکشان هستند، جلب کنند. آن زمان که کودک احساس کند کاری که انجام می‌دهد مورد توجه نیست، تمایل به انجام دادن کاری پیدا می‌کند که به نظر او پذیرفته خواهد شد. کودکان خردسال آنچه را می‌شناسند یا حس می‌کنند، نقاشی می‌کنند و شکل می‌دهند.

آموزش فنون در موارد لزوم نیز اصل است. برای مثال، کودک می‌خواهد دو قطعه گل رس را به هم وصل کند، می‌توان به او نشان داد که اگر آن قسمت از گل رس‌ها را که به هم وصل کرده است با انگشتش بمالد تا هیچ

پیش می‌کند، نیروی خلاقه‌اش را توسعه می‌دهد. او کشف می‌کند که می‌تواند اندیشه و احساسش را با مواد موجود بیان کند.

تجربه اصلی کودک با مواد هنری مانند رنگ یا گل‌رس هنگامی شروع می‌شود که بتواند به طور سازنده با آنها کار کند. البته، این بدان معنی نیست که پیشرفت او همانند اغلب بزرگسالان خواهد بود. به طور مثال، ممکن است فقط از گذاشتن رنگ روی کاغذ یا مخلوط رنگ‌ها برای ساختن رنگ‌های جدید یا از فشردن گل بین انگشتان لذت ببرد. مهم است که به خاطر بسپاریم که این کار برای او ماجرای جدیدی است و این حرکات ظاهراً اتفاقی کشفیات مهیجی هستند.

بزرگسالان اغلب می‌پرسند: «چه

موقع باید اصول آموخته

شوند؟» باید از آنها

پرسید که منظور

شما از اصول

چیست؟ آیا

منظور شما

فقط

درخواست کمک کمتری می‌کند، بلکه قادر می‌شود آسان‌تر شروع کند و کمتر گیج شود. و هر چه با اطمینان و مجذوبیت بیشتری کار کند، افکارش آزادانه‌تر سیر خواهد کرد.

هیچ‌الگوی دقیقی برای پیشرفت در هر سنی وجود ندارد. هیچ‌گاه تمام سه ساله‌ها مشابه هم و چهار ساله‌ها کاملاً متفاوت با هم نیستند. تقریباً در هر کودکی روندی آشکار و تدریجی از اولین کشف آزمایشی تا تسلط بیشتر در کنترل ماده و بیان به چشم می‌خورد.

تصوری که معمولاً بزرگسالان از هنر دارند، این است که تابلویی رنگ‌آمیزی شده یا مجسمه‌ای ساخته شود. در واقع، وقتی کودک هنگام ساختمان‌سازی با مکعب ترکیبات جدید و جالبی به وجود می‌آورد یا وقتی اشیا بی‌ از قبیل صدف، بلوط یا ریگ و شن را به صورت

طرحی درست یا

پس و



شکافی معلوم نباشد آن گاه آن دو قطعه به هم می چسبند. فنون به تنهایی ارزش ندارند. اگر پیش از نیاز تدریس شوند، جز اینکه او را گیج کنند، هیچ مفهومی برای او ندارند. کودک همان طور که راه رفتن را می آموزد، نقاشی، مجسمه سازی و ساختن را نیز یاد می گیرد.

در حقیقت کودکی خوشبخت است که والدین و معلمانش همان طور که با جرئت و روزی او در سخن گفتن شاد می شوند، از هر گام رو به جلویی در زبان هنر نیز مسرور شوند. این درک را بزرگسالان چگونه به دست می آورند؟ نخست آنها می توانند کودک را هنگام کار در نظر بگیرند. مجذوبیت، توجه و لذت او در کار به همان اندازه کلمات یا کار تمام شده گویاست. روش دیگر تشویق کودکان شرکت جستن در تجربیات آنهاست. آنها می توانند با کمک به کودک در حاضر کردن وسایلش شروع کنند. اگر کودک

درخواست کمک کند، ممکن است نیازش همان چیز به خصوصی نباشد که می خواهد. شاید در آن زمان خاص او تنها می خواهد از طریق جلب توجه دلگرم شود. گاهی به دلایلی ممکن است کودک احساس کند که باید خود را با معیارهای بزرگسال وفق دهد که در این صورت می پرسد: «چه بکشم؟» در این گونه مواقع، بزرگسال نباید احساس الزام کند و بگوید که درخت، سیب، خانه، قایق یا هر چیز دیگری.

در اینجا مسئله اصلی بازگرداندن اعتماد به نفس اوست. اطمینان و اعتماد کودک به توانایی اش در انجام دادن مسئولیتها در حد خود به او کمک می کند که احساس کند کارش ارزش واقعی دارد. (بلاند، ۱۳۸۶)

ارزشیابی کارهای هنری کودکان

در حوزه تربیت هنری، پذیرش معقول و منطقی آثار و تولیدات هنری کودکان حائز اهمیت فراوان است. اگر معلم یا والدین نسبت به عملکرد کودک بسیار حساس یا کاملاً انتقادکننده باشند، در آن صورت محتمل است که کودک خواهان مشارکت در هیچ یک از فعالیتها و رفتارهای هنرمندانه نباشد. به جای چنین رویکردی به فعالیت هنری کودک، پذیرش منصفانه تلاش هنری دانش آموز باید مورد توجه قرار گیرد. در واقع خود تجربه هنری به

منزله پاداشی برای تلاش خلاقانه و هنری است. اگر معلم یا والدین بیش از حد بر ستایش از کار کودک تأکید کنند و کودک هم فقط در طلب این تأیید و تشویق باشد، فرایند خلاقیت آسیب می بیند. ستایش و پاداشی که به سادگی به دست می آید، تلاشی اصیل و بدیع را خنثی می کند. در عین حال، اگر کار صادفانه دانش آموز تشویق نشود یا به آن پاداشی تعلق نگیرد، ممکن است او احساس یأس و ناامیدی کند و در جستجوی راهی مطمئن برای جلب پاداش باشد. از بهترین شیوه های ارزشیابی هنری که برای کودکان می تواند مورد استفاده قرار گیرد، پوشه کارهای هنری است. این ابزار که در بر گیرنده مجموعه ای از آثار هنری هر کودک در فاصله زمانی نسبتاً طولانی است، نشان می دهد که تلاش های کودک با استفاده از رسانه های مختلف بوده است، همچنین میزان موفقیت و پیشرفت کودک را در تسلط بر مهارت ها و فنون هنری مختلف به نمایش می گذارد. (امینی، ۱۳۸۳)

پی نوشت

1. portfolio

منابع

۱. کوپر بلاند، جین؛ آموزش نقاشی برای خردسالان ۳ تا ۵ ساله، مترجم: مرضیه قره داغی قرقشه، تهران، دنیای نو، ۱۳۷۳.
۲. امینی، محمد؛ تربیت هنری در قلمرو آموزش و پرورش، تهران، آبیژ، ۱۳۸۳.
۳. پیکرینگ، جان؛ مبانی هنرهای تجسمی کودکان، مترجم: مرضیه قره داغی قرقشه، تهران، نشر دنیای نو، ۱۳۸۶.
۴. محمداسماعیل، علیرضا؛ نقاشی، زبان کودک، تهران، پساوولی، ۱۳۸۶.
۵. لنکستر، جان؛ هنر در مدرسه، مترجم: میرمحمد سیدعباسزاده، تهران، مدرسه، ۱۳۷۳.
۶. فراری، آنا الیوریو، نقاشی کودکان و مفاهیم آن، ترجمه عبدالرضا صرافان، دستان، تهران، ۱۳۸۷.

روان شناسان
 کودک برای درک
 دنیای کودکان از
 نقاشی های آنان بهره
 می گیرند

اساس
 رشد کودک در هنر
 این است که به او فرصت
 اکتشاف داده شود و برای
 کشف تشویق شود

